

شماره یازدهم پنجشنبه ۲۳ جوزا ۱۳۴۷ هـ ۱۳ جون ۶۸  
 دکتور رحیم محمودی

## « مضطرب » باختری رد چرنديات خنده آور

## رو یونیوزم یا تجدید نظر طلبی

ساخته و جهان بینی پیش رو را از مود افتاده تلقی و روح انقلابی رنجبران را فلج و اصل مرکزیت دیموکراسی را در احزاب مترقی نقض کنند و آن را به منا به (مجالس شورای بورژوازی و یک انجمن مباحثه) تبدیل نمایند ، تجدید نظر طلبان ، امروزه نسبت جنبش جهانی پیروان اندیشه های مترقی و (رد هجویات لایعنی) آنها آشکار برای انحلال احزاب سیاسی مترقی جرأت نمی توانند ، اما این عمل را جبوانانه و شیا دانه با کمک و سازش کاری بورژوازی و امپریالیزم در خلال تصفیه این احزاب اجرا میدارند این تصفیه ها ویران نمودن بنیادی این احزاب است از درون و نقش خاینانه ایست برای از هم پاشیدن بنای با عظمت جهان بینی پیشرو اشخاص رسیده و مترقی واقعی را از صفوف مبارزه خستیدار و به ساری اداراتی حصار و بر عوض عناصر فاسد را که طبیعت و خصلت بورژوازی و سازش کاری دارند) در حلقه های حزبی تمرکز میدهند و با این عمل سالو سانه به تشکیل طبقه ممتاز در داخل حزب پرداخته و باسو استفاده تیوری (به هر کس مطابق کارش و از هر کس مطابق استعدادش) که خود آن را نقض و تحریف نموده اند ، از یک طرف این سرمایه مشربان را بمعاش کافی می پذیرند و از جانب دیگر آنها را در راس مؤسساتی قرار میدهند که عایدات غیر مشروع نیز داشته و اندوخته های ازین طریق بدست می آورند - بدین وسیله احزاب را از داخل می شارانند و در بیرون ظاهر فریبنده به آن می دهند .

رویز یونیوزم نیست ها در بسا ممالک اروپایی و امریکایی و یک عده ممالک آسیایی ، مانند موریانه در بنیه حلقه های ، جهان بینی مترقی چسبیده اند و خفاشانه و در دانه به خیانت های دامنه داری دست به کار اند . آنها با بی ایمانی و پیمان شکنی تلاش دارند به بهانه و حیل گوناگون بنام توسعه دیوکراتیک در داخل این احزاب انضباط و استحکام آن را از هم ریزند و راهی برای رخنه نمودن افکار سرمایه داری در داخل این احزاب باز و برای تشکیل و تولید اکثریت و اقلیت طرق انشعاب و تفرقه ایجاد و ساحت مراکز (درص ۳)

فلسفه ایست منفی و انحرافی از جوهر انقلابی جهان بینی مترقی . پیروان آن اپور تو نیست و سازش کار و عناصری اند که در جامه سوسیالیزم کاذب به اید یونیوزم پیشرو و بنیاد گذاران آن خیانت می ورزند اساس این مسلک سازش کاری را مرد سست عنصری بنام برنشتین در سال های ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹ در لندن پخش کرد ، او این نظریات گمراه کن و ضد بشری خود را وسیله رشوه ستانی از سرمایه داران انگلیس قرار داد و بحیث سکت زنجیری لارد های برتانه تخم انشعاب و نفاق را در پهنای مسلک جهان بینی پیشرو و پاشید که تا امروز پیروان و مدافعین استعمار نوین و این قماش مردم در جامه ریا و کذب گمراه به خدمت ارتجاع و استعمار بسته اند و از جیفی برای یک عده ساده لوحان و خوش باوران تنظیم داده اند. این مسلک در ما هیئت خود خدمت به ارتجاع و امپریالیزم جهانی نموده و به گمراه کردن توده ها و تغییر روح انقلابی کارگر به سویه رفورمیسم رول دارد ، عقیده دروغین برنشتین این بود که می گفت «باید ذریعه تکامل تدریجی ( او لو سیون ) به مقصد رسید نه از راه انقلاب. این دانش پاسیف و انحرافی پیوند و ریشه ثابت بادگماتیزم یعنی (بدون چون و چرا یک موضوع را کور کورانه قبول کردن) داشته و به بسویه ایورتو نیسم در منجلا ب منافقت و سازش کاری و آشتی دادن طبقات سقوط میکند یعنی طبقات متضاد و انتا گونستی را که منافع اقتصادی نقیض دارند بهم آشتی میدهد .

رویز یونیوزم یا سوسیالیزم کاذب عمل تحریف آن علم مترقی است که رهبران بسز و رگ اساس اید یونیوزم و علمی رایی ریزی نموده و انبیا قرن بیست در عمل و بصورت مثبت ازان استفاده کرد رهبر کبیر بین الملل سوم درین باره چنین نظر داشت «رویز یونیوزم یکی از مظاهر عمده تاثیر بورژوازی بر پرولتاریا و فاسد ساختن کارگر از طرف بورژوازی است» این است مشخصات واقعی این بازی گران - سیاسی . مساعی رویزیونیوزم نیست ها ، در تحلیل نهایی برای منحل ساختن احزاب پیشرو و یا تبدیل آن بیک سازمان رفورمستی است . رویزیونیوزم نیست ها می خواهند آموزش علمی مترقی را لکه دار

می گیرند . کار مبارزه تفننی این «مترقیان» کاذب» بدانجا کشیده است که تا گلو در منجلا ب رویز یونیوزم و سازشکاری فرو رفته و به «معقولیت» امپریالیست ها و مر تجعین دل بسته اند و شیوه مبارزه را طبق خواسته ار بابان خویش محدود نموده اند و همتا می که از باب شان چین بر جبین افگند ظاهراً بصورت مبارز گباری شکوه سر میدهند که :

«ارتجاع در زمینه سیاسیست داخلی در حالت تفتین و توطئه است تازمینه را برای اختناق عمومی تهیه بینند و طومار این آزادی های نیم بند را که دست آورد مبارزان طو لانی مردم ماست در هم پیچد و نیرو های ملی و دموکراتیک ، ترقیخواه و وطنپرست را بد نام و سر کوب نماید»

مبارها گفته ایم و باز هم . گوئیم که ایجاد توطئه و اختناق خستیدار اساسی و انفعالی است که تا لحظه مرگ دست از آن بر نمیدارد و فقط گاه گاه به منظور منحرف ساختن شیوه های مبارزه توده ، اغفال و اغوای مردم و در نهایت به خاطر حفظ و تحکیم منافع خود رست های دموکرات مآبانه میگیرد و آزادی های را به صورت بسیار مجرد و در چوکات الفاظ به نمایش میگذارد اما وقتی پای خواسته های اساسی مردم به میان آمد و بر منافع اصلی ارتجاع انگشت نهاده شد چون تیر تیر خورده به تلاش و تپش می افتد و با قیافه اصلی خود به میدان می آید و لی این آرایشگران قیافه ارتجاع به مردم میگویند :

خوب است به همین آزادی های مجرد دلخوش باشند و چیزی بالاتر از آن نخواهند. زیرا طومار این آزادی های نیم بند را که محصول مبارزات طو لانی مردم ما ست نیز در هم می پیچد (!)

باید بدین «مترقیان کاذب» گفت : آقایان! این خلق است که تاریخ خود را می سازد نه ارتجاع خلق های کشور ما هرگز اجازه نخواهند داد شعله مبارزه به افسردگی گراید بگذار ارتجاع دست از این نمایش های مسخره بردارد و با قیافه اصلی خود با خلق رو برو شود درست در همان موقع است که با ضربات پیگیر مبارزه توده ها پیکر فر توت و لرزان آن از هم می پاشد بهر حال گناه (درص ۲)

استعمار گران کهن و نوین تا جا بیکه میتوانستند هستی ملل ستمکش جهان را بلعیده اند و هنوز هم می بلعند اما امروز امپریالیست های سرساز جهان و خاصه امپریالیسم امریکا در حلقه از تضاد های داخلی و خارجی اسپیر مانده اند و این حلقه روز بروز تنگتر می شود .

بطور مثال ایالات متحد این ژاندارم بین المللی را در نظر بگیریم .

پیکر فر توت و گندیده این «غول پاکلین» از سوی در برابر خشم توفان زای و بنیان کن ملل آسیا ، افریقا و امریکای لاتین همچو ن بید بی برک و بار میلر زد و از سوی دیگر مبارزه رنجبران و خلق ستمکش امریکا که در مرکز آن خشم آتش زای سیاهان قرار دارد ضربات قاطع و هلاکت باری بر پیکرش وارد میکند توأم با این دو مبارزه خشم افکن کار رقابت میان سرمایه های انحصاری نیز اوج گرفته و تا سر حد ترور و کشتار رسیده و در ست بهمین دلیل است که عصر معاصر زوال امپریالیسم و یکی از درخشان ترین چرخشگاه های تاریخ است در گوشه گوشه جهان این خلق است که درفش پر افتخار مبارزه پیگیر و بی پایان خود را بر می افرازد و طومار هستی مشتی است که از گر مغرور را در هم می پیچد .

در اینکه عصر ما عصر زوان امپریالیسم و ارتجاع است شکی نیست اما هرگز نباید پنداشت که مرتجعین به اراده خود از مسند قدرت فرود می آیند بلکه بر عکس امپریالیست ها و مرتجعین درین واپسین دم به مار نیم کشته می مانند که زهر آن مهلک ترو کشنده تریاک در آخرین تحلیل امپریالیست ها و مرتجعین برای اینکه جنبش های کلمات بخش خانی را از درون تخریب کنند عمال و مزدوران خود را در صفوف خلق جا میدهند و این عروسک های مومی که بقول پایه گذار بین الملل سوم «بدور کاسه داغ شور بای» اربابان خود می رقصند با رست های مردم خواهانه در آستان مرتجعین خدمتگزاری میکنند در واقع اینان هنر مندانی هستند که به مقتضای زمان در تا تراجم نقش های تراژدیک و کمیک خود را اجرا میکنند و در هر حال قیافه اصلی ایشان غیر از چهره ایست که در روی صحنه

کارکنان محترم شعله جاوید:

ما ۷۲۰ نفر کارگران از همه چیز محروم سمیت غوری پلخمری ضمن اینکه همبستگی و پیوند خود را با تمام کارگران فعال و پیشرو افغانستان اعلام میداریم و هم خاطر حق با مال شده خود و آنها دست به اعتصاب زده ایم از شعله جاوید که انعکاس در افشای مر تجعین و سا زشکاران شکاری می نماید تمنا داریم که این خواست های ما را در جریده خویش نشر کنند تا همه رنجبران و توده های مردم بدانند که بار سنگین يك عده قلیل مفت خوار بر گرده های ما سنگینی میکند. طبقه مر تجعین ها که افغانستان به عنوان و دسیسه های مختلف نگذاشته است که تمام رنجبران و توده های استثمار شو نده با هم متحد شوند تا این کاخ ظلم و ستم را ویران کنند حتی امروز این وظیفه ننگین و شیرم آور را «دوستان دروغین خلق» به عهده گرفته اند.

اما بگذار آنها تلاش های مذبحخانه خود را جهت خاموش ساختن آتش مبارزه توده ای انجام دهند زیرا روزی فرارسید نیست که ما این دشمنان افعی صنعت را در زیر ضربات گردان های کارگری خود خوردوریزه خواهیم ساخت.

است های ما که با خواسته های شما همبستگی و پیوند خود را با تمام رنجبران و توده های مردم بداند که بار سنگین يك عده قلیل مفت خوار بر گرده های ما سنگینی میکند.

۱- معاش ما به اندازه نا چیز است که شکم خود و فامیل خود را سیر کرده نمیتواند از نیرو معاش کافی داشته باشد.

۲- نسبت اینکه معاش ما کم است باید هر فرد فامیل يك کارگر از نگاه صحت و مریضی بیمه شود و کرایه خانه نیز تادیه شود.

۳- در هر سال دو دست لباس کار توزیع شود و مو تر و وسایل نقلیه برای حمل و نقل ما آماده گردد.

۴- از ذخیره معاش و ما کولات و کو پون حداکثر باید استفاده شود.

۵- چون در يك هفته از شش بجه صبح تادو بجه بدون کدام وقفه مسلسل کار می کنیم از اینرو جهت رفع خستگی باید بروز های پنجشنبه از ساعت دوازده مرخص گردیم.

این بود خواسته های فعلی ما که به اتکاء به نیروی خود و مبارزه پیگیر به گرفتن آن نایل خواهیم شد (زنده باد همبستگی و اتحاد کارگران افغانستان)

شعله جاوید: در حالیکه خواسته های این کارگران رزمنده و دلیر را منعکس میکند یکبار دیگر دعوت کبیر اتحاد و همبستگی ایشان را به سایر هم زمان شان میرساند. بعقیده مانیز اتحاد رنجبران، دهقانان و نیمه رنجبران است که میتواند پاسخگوی خواست های برحق کارگران و سایر رنجبران باشد کارکنان شعله جاوید چنانکه بارها تاکید کرده اند یکبار دیگر نیز اعلام میکنند که تا آخرین لحظه در سنگر مبارزه با تمام رنجبران کشور در کنار شما خواهیم بود.

پاسخ کارگران کلبهار به سایر همزمان ایشان

بدنبال مظاهرات باشکوه و شور انگیز کارگران قهرمان حوزه های صنعتی سراسر کشور اخیراً موج خروشان جنبش کارگری کلبهار را نیز فرا گرفت که میتوان آنرا پاسخگوی شعار اساسی کارگران جنگلک یعنی اتحاد و همبستگی این طبقه دور انساز خواند رزمندگان دلیر کلبهار بعد از آنکه هیئت چار نفری رؤسای نساجی به منظور درهم شکستن تظاهرات کارگران پلخمری رهسپار آن دیار گردیدند. روز شنبه ۱۵ جوزا در صحن فابریکه اجتماع نموده تصمیم به مظاهره گرفتند هرچند در همان شب والیان پروان و کاپیسا با مشتی ارباب و خان میخواستند جلو این جنبش ارزشمند را بگیرند ولی ساعت هشتم فردا این نیروی شکست ناپذیر از صحن فابریکه سر به بیرون زد و با نظم و اخلاق کارگری پیاده بسوی باغ عمومی کلبهار مارش کردند و بعد از طی دوازده کیلو متر راه میتنگ با شکوهی ترتیب دادند شاگردان قهرمان مکتب های میر مسجدی و جبل السراج این سر سپردگان جنبش پیشرو با همزمان کارگر خویش پیوستند هرچند در نخستین روز مظاهره از تجاع با دسایس گوناگون از اشتراک جوانان کلبهار جلوگیری کرد ولی فردای آن بنا بر ابتکار جوانان مکتب میر مسجدی ایشان نیز سد ابرتجاع را در هم شکسته با علاقمندی کامل در صف مظاهره کنندگان جا گرفتند دهقانان و دیگر عناصر مترقی کلبهار نیز در حالیکه با گرس مجوشی استقبال میکردند این جنبش شکو همند را پذیرا شدند کارگران در حالیکه طنین نعره های شور انگیز شان در دل کوهپایه های اطراف می پیچید به افشای همه جانبه غارتگری های کار فرمایان پرداختند که نکات اساسی پایان را بصورت مشخص

میتوان ذکر کرد. الف: افشای اینکه پول و مواد خام فابریکه در منازل شخصی به مصرف میرسد. ب: پرده برداری از سیمای پلید مستریانی که به منافع طبقه خویش پشت پازده وجدان خود را در کرو پول کارفرمایان گذاشته اند. ج: افشای اینکه عیثت مدیره نساجی برای اغوای کارگران تادیه چهارونیم ملیون افغانی را از سر جمع بیلانس برای کارگران پیشبینی کرده بود ولی بعد از آنکه کارگران در عقب دستگاه ها تن فرسایي کردند و آنوقت باصطلاح آنها از آسیاب افتاد و این مبلغ نیز صرف عیناشی و خوشگذرانی کار فرمایان شد.

در محل اجتماع کارگران چند نفر از وکلا هر دو جر که میخواستند با همان وعده های که هرگز از قوه به فعل نخواهد آمد جلو تظاهرات کارگران و سایر همزنجبران ایشان را بگیرند ولی کارگران پیشرو و آگاه کلبهار که دیگر احساس کرده اند حصول حق راهی جز مبارزات پیگیر و اتکاء به نیروی خود ندارد کرسی نشینان پارلمان را که کاری جز پرده پوشی قیافه غارتگران طبقه ها که ندارند شدیداً محکوم نموده فریاد میزدند شما خود اعتراف میکنید که به هر یک رای صد افغانی پرداخته اید بروید و در فکر تلافی پول خود باشید که شما هرگز وکیل ما نیستید.

بلاخره با وساطت وکیل قره باغ دولت و سایر کار فرمایان نساجی تاروز ۵ شنبه ۲۳ جوزا مهلت خواسته اند ولی اعتصاب کارگران همچنان ادامه دارد خواست های این کارگران رزمنده و دلیر قرار آتی است.

۱- تاسیس اتحادیه کارگر برای دفاع از حقوق ایشان.

۲- تجلیل روز بین المللی کارگر.

۳- عزل چارنفر از رؤسای بیدادگر

دپوهنی وزارت

دثانوی تدریس اتو ریاست

د حبیبی لیسې مدیریت

د اداری خانچه

بناغلی ( . . . ) خان معلم صاحب

دزائر اداره و حفظ دسپلین و ثباتیکه (بروز کارگر) از طرف شما صورت گرفت و طلاب با وجود آمدن سیل مظا هره سایر شاگردان مکاتب و مردمان دیگر اداره گردیدند حضور ج، س، ع، وزیر صاحب معارف و معاون اول صدارت عظمی ازین فعالیت مریبون محترم، معا و نین و سر معلمین مکتب طی مکتوب (۵۲۱) مورخه ۱۴/۲/۷۴ مدیریت محترم قلم مخصوص اظهار تشکر و تحسین فرموده اند که اینک مراتب رضایت تحسین و تشکر جلالتمآبی راطی نامه هذا بشما عرض و مؤفقیقت مزید تان را در همچو مواقع از درگاه خداوند کریم خواهانیم. با احترام

۱۳۴۷۳۱۵

شعله جاوید: سرد مداران فرهنگ از تجاعی که فرزندان واقعی مردم را به اخلاص گری و ما جرا جویی متهم میکنند خود با این تو طنه گری ها و تحسین نامه های میان تهی میخوانند جلورشد و بیداری سیاسی جوانان را بگیرند ولی ما ایمان کامل داریم که معلمان آگاه و پیشرو مکاتب شخصیت آزاد اخلاقی خود را با این ار مغان تازه از تجاع معامله کرده و جلو رشد فکری گردان خود رانمی گیرند و خوشترن را در سر نوشت فلا کتبار سرد مداران فرهنگ از تجاعی سسیم نیسازند ما یکبار دیگر تاکید میکنیم که این تو طنه ها راه به جایی نمی برد و در آرزوی های خود را فقط بگور خواهند برد.

کارگر ندارند. ۴- مبارزه با برطرفی های غیر قانونی و کاملاً ظالمانه چنانکه تنها در ظرف سال ۶۶، ۲۵۰۰ الی سه هزار کارگر فقط به جرم اینکه از اوامر بیداد کرانه آمران چپاولگر خود به اصطلاح اطاعت نکرده اند بیکار گردیده اند.

۵- مبارزه برای حصول ۷۰ روز رخصتی بامعاش.

۶- تضمین و تأمین مصونیت زندگی فردی و اجتماعی و پرداخت حقوق تقاعد بعد از باز نشستگی.

۷- مبارزه به خاطر افزودی معاش زیرا در حالیکه هیئت مدیره ۲۰٪ افزودی را پذیرفته اند اما این افزایش ندرتاً تا ۱۵٪ میرسد ولی خواست اساسی کارگران درین قسمت افزایش ۵۰٪ معاش است.

۸- مبارزه در راه حصول بیمه صحتی برای کارگران و خانواده ایشان بصورت رایگان یعنی همچنان که کارفرمایان از چنین بیمه ها برخوردارند.

۹- جلوگیری از رشوه ستانی در فرصت استخدام.

۱۰- کار فرمایان نساجی در برابر قطع يك انگشت ۲۵۰ افغانی می پردازند در حالیکه ارزش انگشت پرهنگ کارگر را هرچند نمیشود با پول معین کرد ولی صدها مرتبه بیش از این مبلغ می ارزد لذا مبارزه در راه ریشه کن ساختن این بیدادگری آشکارا و وادار ساختن کار فرمایان به تادیه کامل و عادلانه جبران خسارات در هنگامیکه کارگر میبویب میشود و جراحت بر میدارد.

۱۱- مبارزه با شرایط دشوار امتحان که در فرصت ارتقای کارگر بدرجه باشی و سرباشی حتی از سویه صنف نهم نیز بلندتر است.

۱۲- جلوگیری از کشیدن مجرای بیست الخلاء های فابریکه بدریای پنجشیر که مردمان این خطه هارا مبتلا به امراض گوناگون می نماید.

۱۳- مبارزه در حصول بورس های تعلیمی برای اندوختن معلومات بیشتر زیرا در حال حاضر این بورس ها فقط مال تملق پیشگان است.

۱۴- تنظیم و ترتیب درست نان چاشت و شب به خاطر اینکه آنچه اکنون به کارگران داده میشود کاملاً فاقد ارزش غذایی است.

۱۵- مبارزه در راه ایجاد شرایط بهتر کار و تهیه غذا و لباس به کارگرانیکه خارج از حوزه تولیدی از قبیل تعمیرات، ترا نسپورت، نجار خانه وغیره مصروف کار اند. شعله جاوید: در حالیکه از یکایک خواسته های کارگران مبارز و قهرمان نساجی کلبهار پشتیبانی می نماید درود گرم و آتشین خود را به کارگران و روشنفکران همزمن ایشان تقدیم نموده و با قاطعیت کامل اعلام میدارد کارگران و روشنفکران واقعی کشور برخیزید، به خاطر نیل به پیروزی درفش پر افتخار مبارزه را برافرازید و بسوی آزادی و عدالت در دست بردارید.

# رد چرندیات خنده آور

این «مترقیان کاذب» نیست آنها نیکه به توده ها پشت کرده باشند و اشکال مبارزه را بدستور اربابان خویش محدود نمایند در چنجه های مفسز شان چیزی جز همین چرندیات خنده آور یافته نمیشود.

بگذار! اینان بدور این نمایش های دل خوش کنک بر قصند و لسی توده در هر حال راه خود را یا فتنی است.

کاسه لیسان در گاه از بابان زر میگویند:

«درک این مسایل حاد باین نتیجه عاجل، ضروری و منطقی (!) می انجامد که نیروهای ملی، دموکراتیک، وطنپرست و ترقیخواه کشور مسئولیت خویش را در وضع مشخص کنونی درک کنند و نگذارند که نقشه فتنه انگیزی ارتجاع مورد عمل قرار گیرد و فهمیده یافته، پیده آله تحریک نعتین و ما چرا جوی قرار گیرند.»

این عناصر ترسو که از روپروشدن با توفان مبارزه سبب میگردند و حراس دارند با همان ابراز های زنک آلود ارتجاع بر فرزندانشان صدیق خلق حمله میکنند و تصادفی نیست که یک کرسی نشین برزک دولت، یک حقو قدان مز دور و مرتجع با مستطاراننش و این «مترقیان کاذب» همه بیک صدا روشنفکرانی را که

فمالانه در مبارزات توده ای اشتراک می نمایند به اختلال گری و اجرا جویی متهم میکنند این هر سه صدا، صدای ارتجاع است ولی از جنجه های متفاوت ارتجاع همه آنها نیراکه

دیروز برای اغوای مردم از هم گسسته بودند یکبار دیگر با هم مونتاژ میکنند و بدین ترتیب دست اندر کار یک اتحاد مقدس (!) میشود.

این آقایان تپی مفسز فراموش کرده اند که مبارزه منشاء اقتصادی دارد و اگر تحریک و تبلیغ مجرد موثر میبود حالا شکم گنده ترین سرمایه داران نیز به صف کارگر می پیوستند و ضرورتی به مبارزه قهر ما نمانه (!) ایشان هم احساس نمیشد.

به عقیده ایشان این استبداد سیاه و فشار های گوناگون اقتصادی نیست که رنجبران را به اعتصاب، مظا هره و مبارزه وادار می سازد بلکه عده محدود و انگشت شمار است که با تحریک و ما چرا جوی اعتصاب و مظا هره راه می اندازند این تضاد

منافع طبقاتی نیست که انگیزه اعتصاب و مظا هره میشود بلکه باز هم تحریک و ما چرا جوی است.

کارگران آگاه و روشنفکران پیشرو کشور این اهان تا ریخی را هرگز فراموش نخواهند کرد و در پر تو مبارزات دلیرانه خود آنها به کسانی که بر چسپ همچو

اتهامات چرکین و سیاه را به ایشان میزنند همچنان در بست تحویسل خواهند داد.

بالاخره این «مترقیان کاذب» برای

اینکه خصلت انفکاک ناپذیر ارتجاع را پرده پوشی نمایند بدینگونه زمزمه پرداز می کنند:

«استفاده درست و به هنگام از وسایل و شیوه های مبارزه مطابق به شرایط عینی و ذهنی، داخلی و خارجی کشور، به خصوص مطابق به وضع مشخص موجود بدون ایجاد فتنه انگیزی، تفرقه انگیزی و ماجراجویی که بهانه برای حمله و حشیانۀ ارتجاع گردد.»

اصلا ارتجاع همان «گرگ بهانه جوی» داستانی است ولی مرتجعین وطنی ما ادعا دارند که خصلت ارتجاع حمله و حشیانۀ بر قدرت های مترقی نیست بلکه این خود قدرت های مترقی است که بهانه حمله به ارتجاع میدهند چه خوب میشود هر گاه

په پلاس او په انبوردی است شمار پاره پاره که شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنسکاره که مال دی هسی مفت خواران خوری، چه به سر باندی بند نشی دهدف چه لوری درو مه، خوپه وینو لژند نشی ورك له خپله چاپیریاله طفیلیرو او بیسکاره که شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنسکاره که داخوژی غوری وعدی، چه ارتجاع در کوی تاسه پام کره، پام کره غلط نشی کوپو ی بی کره و در ما ته که زمری بی شیری دا گیسد په مکاره کسره

شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنسکاره که په زحمت او زیار له شکو، را کار پو سس و اصلو که ستا قوت دشمن ها تسی دی، پاخه ما ته پنجره کره دا ملی خائینان واره په خپل حکم غر غره کسره له فاسد و سرو جوړه په دگر کسره مناره کره

شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنسکاره که پاخه و لی؟ ناشتایی خائنه نوی ژوند ون جوړه کره دکلو وری شاهین، ددبینه په غوښو مونز کسره مست سیلاب شه انقلاب شه ارتجاع په تراه کسره

شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنسکاره که پتک را واخله نن دی و اردی، بناماران تری آوراه کره شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنسکاره که ستا قوت دشمن ها تسی دی، پاخه ما ته پنجره کره

دا ملی خائینان واره په خپل حکم غر غره کسره له فاسد و سرو جوړه په دگر کسره مناره کره شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنسکاره که

پاخه و لی؟ ناشتایی خائنه نوی ژوند ون جوړه کره دکلو وری شاهین، ددبینه په غوښو مونز کسره مست سیلاب شه انقلاب شه ارتجاع په تراه کسره

شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنسکاره که

رنجبران سرا پای جهان به منطبق در خشان (!) این آقایان گوش فرا میدادند و دست از مبارزه می کشیدند تا مبارزات ایشان بهانه حمله به ارتجاع نمیداد و ارتجاع هم آهسته، آهسته یعنی آن سان که هم لعل بدست آید و هم یارنر نجه، حقوق ایشان را واگذار میشد راستی این طریق مبارزه بی خطر هم بود ولی چه میتوان کرد که رنجبران جهان به منطبق در خشان (!) این ناز پروردگان تنعم و جنبش طلبان شوقی اعتنا نمی کنند و به ایشان میگویند:

فقط آنانی که به توده ها پشت کرده باشند از تصور حمله ارتجاع به تب لرزه مرگ دچار میشوند ولی کسانی که به توده ها اتکاء دارند و از پشتیبانی توده ها نیرو می گیرند از حشیانۀ ترین حمله های ارتجاع نیز هراسی ندارند چون میدانند که خلق در هر حال پیروز شدنی است.

# باز هم نقض وحدت در پرده فریادهای وحدت طلبی

آگاهانه و یا غیر شعوری آنرا دنبال میکنند متحد شد. اساس اتحاد، وحدت اید یالوژیک است، درینجا پرسشی به خاطر می آید که در اتحادی که بین عناصر مختلف سر کب از رنجبران، دهقانان، نیبه رنجبران و طبقه متوسط برای پی ریزی و ساختمان جنبه متحد ملی دموکراتیک ضد فئودالی و ضد بورژوازی کمپرادور بعمل می آید، چون طبقات متمایز از هم در آن اشتراک دارند که هر یک دارای طرز تفکر طبقاتی مخصوص خود است چطور این وحدت پابر جا میماند؟ نباید فراموش کرد که درین اتحاد هر کس حق ندارد اید یالوژی خود را بر حسب دلخواه و به صورت کلی و عمده تبلیغ نموده و سگان کشتی این جنبه را بر میل و مرام خود به رسمتی که مایل باشد بزاند بلکه تا وقتی و تا آنجا جنبه متحد و ملی است که همه طبقات آن از اید یالوژی و روش رنجبران ترین طبقات یعنی کارگر پیروی و پشتیبانی کند و رهبری بدست او باشد، صرف کارگر است که می تواند سگاندار باشد و بس. هر گاه هر یک از آنها نخواهد از پیروی اصول کارگری سر باز زند خاصیت ملی بودن خود را از دست میدهد و خصیصه ضد ملی و ارتجاعی اختیار میکند که هیچگاه باوری نمی توان هم دست شد بلکه او آشکارا در صف دشمن قرار میگیرد

فرضاً بورژوازی ملی تلاش های مذبو حانه بکار می بندد تا قدرت را به کف گرفته و خود را به صفت طبقه حاکمه سیاسی بالا برد، درینجا از ملی نیست و نباید یکقدم متحدا بر داشت بلکه باید لبه تیز مبارزه را به جانب دشمنان است بسمت او نیز

اما اگر رهبری در سر علمی از طرف رنجبران صورت گرفته و هوشیاری خود را از دست ندهند، این رنجبران است که خود را به حیث طبقه حاکمه بالا می برند و داغ را بدل بورژوازی ملی میگذارند. پس

مجال چنین کاری را به ایشان بند در اینجا اید یالوژی ها متفاوت بشد عمده کلی و حاکم وجود نداشته و صرف اید یالوژی طبقه رنجبران است که حاکمیت دارد و جنبه را به پیروزی می کشاند. اینکه اکنون نظر به شرایط عینی اجتماع ما چون رنجبران هنوز نمی توانند قدرت را به کف گیرند و به صفت پیش آهنگ طبقات مترقی و ملی داخل اقدامات

«باقی دارد»

«باقی دارد»

«باقی دارد»

«باقی دارد»

«باقی دارد»

«باقی دارد»

«باقی دارد»

«باقی دارد»

«باقی دارد»

## (کارگری ته)

په پلاس او په انبوردی است شمار پاره پاره که شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنسکاره که مال دی هسی مفت خواران خوری، چه به سر باندی بند نشی دهدف چه لوری درو مه، خوپه وینو لژند نشی ورك له خپله چاپیریاله طفیلیرو او بیسکاره که شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنسکاره که داخوژی غوری وعدی، چه ارتجاع در کوی تاسه پام کره، پام کره غلط نشی کوپو ی بی کره و در ما ته که زمری بی شیری دا گیسد په مکاره کسره

## رویزیو نیزم یاتجدید...

حزبی را به میدان نبرد و تضاد و پرگونی جهت تضعیف وحدت و انضباط این احزاب بدل نمایند. رویزیو نیست ها در ظاهر زیر ماسک های خطرناک مبارزه ضد دگماتیزم، اپورتونیسسم و سکتاریزم قد علم می کنند که این عمل شان برای مردم بی تجربه و خوش باور جهان خطر جدی در بر دارد و به گمراهی (موقتی) این عده موجب می شود. اینها برای تعویض تر های جهان بینی پیش روز بر این لباس ها به خیانت تاریخی می پردازند. اما از آن جائیکه تاریخ عرصه فرسایش کهنه و زایش نو است، جهان بینی پیش رو همواره از نو آوری های زمان بهره می گیرد و برای شناخت پدیده های تازه راه های نوینی درمی یابد و به پیش می رود، رویزیو نیسم هم ازین قانون مستثنا نبوده و در فرجام با تر های منحرف خود در زباله دان تاریخ مدفون میگردند.

اید یو لوگ های رویزیو نیست سعی می نمایند تا تمام تیوری های اساسی علوم مترقی را تجدید نظر طلبانه و سازش کارانه به نفع طبقه استثمارگر وفق دهند. و به پیمانۀ جهانی برای زیر یوغ نگاه داشتن خلق های جهان مخصوصاً (آسیا و افریقا و امریکای لاتین) و استثمار این خلق هاتحت نقشه ها و پلان های استعمار نوین با سازش کاری و شرکت با امپریالیزم جهانی (سفسطه های روی کاغذ طرح و برای گمراهی این اقوام به آنها این طور پیش نهاد می نماید مبارزه مسالمت آمیز، راه رشد غیر سرمایه داری، و حکومت دیموکراسی ملی و رسیدن به این اهداف از طریق

# فتنه گری های ارتجاع در صفوف کارگران

اعتصاب کارگران قهرمان جنگك هنوز هم ادامه دارد کارفرمایان ناسد که بخاطر منافع طبقاتی خود حاضر به پذیرش خواسته های برحق کارگران نیستند میخواهند با تطمیع عده از کارگران اعتصاب شکنی را در صفوف شان راه بیندازند ولی نمایندگان راستین کارگران جنگك فتنه گری های ارتجاع و افساء و کارگران را به همبستگی و اتحاد دعوت نمود خطابه به هم زمان خود گفتند: هرگاه مزدوران ارتجاع را در صفوف خود جا دهیم ویا وجدان خود را در گرو پول ایشان بگذاریم، شکست ما در سنگرمبارزات بعدی امریست حتمی و اجتناب ناپذیر.

شعله جاوید: مایمان کامل داریم که فتنه گری های ارتجاع در صفوف کارگران هرگز نمیتواند شعله مبارزات این موج پیشناز و دو را نساژ را خاموش ساخته و باز هم به استثمار و بهره کشی خود پیر دازد.

## نامه کارگران ستمکش کمپنی هوشخینف از کارجو

تقریباً مدت ۸ سال است که امپریالیستهای ستمگر جرمنی د و فابریکه بزرگ حجاری و نجاری و نجاری جنگك را بدست دارند و ما کارگران را مورد استثمار و بهره کشی قرار داده اند. کرسی نشینان داخلی و آله دست امپریالیستهای خارجی (ارتجاع داخلی) که درازای این بهره کشی و استثمار نفع می برند قانون کار و کارگر را به نفع پاداران خارجی خودها تنظیم نموده اند: و سالانه از معاش ناچیز ما کارگران مقداری به نام تکس می ربایند و علاوه بر روزهای جمعه و بعد از ظهر پنجشنبه عید - جشن - و کرسی نیز به ما معاش داده نمیشود در صورتیکه کارگران دیگر فابریکه ها در این روزهای رخصتی مستحق معاشی میگردند و از طرف دیگر از افزودی معاش، بیمه صحی، کوپون و رخصتی های قانونی خبری نیست زیرا که کوپون بیرحمانه کارگران از طرف جرمنها در این فابریکه به کثرت دیده میشود. ما از کارکنان شعله جاوید که یگانه جریده ایست که آمال و آرزو های طبقه رنجبر را منعکس میسازد خواهشمندیم تا این صدای مارابکوش خوانندگان و رنجبران دیگر برسانند. و ما بدین عقیده هستیم که آرزو های ما وقتی برآورده میشود که با تمام طبقات ستم دیده یکجا شویم و دست

## زمنون خبریال دیکنیادولایت له مرکز خخه خبر را کوی

چهارشنبه شنبی اوچهار شنبی به ورخو دجوژا به ۱۴-۱۵ نیتو ددارا لمعلمین اود عبد الحی کرد یزی دلپسو او نورو لمربو بنو ونخو به گسبون یوه بی ساری مظاهره دلومری خسل دپاره جویره شویوه که خه هم دحکومت نظامی قواری غوبنتل چه په دسیسو او حیلله گریو مظاهره چیان پری نژدی چه سره متحد شی او حتی خپسل عسگری قوت بی هم دمظاهره چیانو دتیت او پرک گولو لپاره وو یست مکر دپکتیا بانگو خلمو دبز گرانو په ملاتردخپلو نورو همسنکروملگرو سره یو خای شول او خپلو مظاهرو ته بی په خورا انضباطی تو که دوام ور گری او په اخیر کبسی مرتجع حکومت ته دمظاهره کونکو له خوا کلک اکطار ور کول شو چه باید حاکمه طبقه زمیندان لاند نیو پیشنهادوته مثبت جواب ور گری . او که چیری ور نکوی به نیتو آخره خپنی مظاهری تو سه دوام ور کوو او په تشو زادیو بی خبر او کاغذ پرانی مونر اوس نشی غولولی خکه چه دیروخت مو تاول ملت و غولوه چه په حقیقت کی تر کاسی لاندی نیمی کاسی وجود در لود او اوس مونیمه کاسه په خر کند دول و پیژ ندله نو له دی کبله تر اخیره خپلی انقلابی مبارزی ته ددغو مر تجعینو چه

## روز یکشنبه نر دهم جوزا متعلمین

اکادمی تربیه معلمین دست به اعتصاب زدند. بر اساس گزارش خبر نگار ما خواسته های آنان چنین است: ۱- اجرای معاش تمام فارغان دار المعلمین ها از رویه دوره تحصیل شدن به پایین میرسد. ۲- چون متعلمین دار المعلمین ما سی و سه فیصد مضامین مسلکی را در جریان تحصیل تعقیب میکنند بنا بر این در امتحان ناکور نیز باید سی و سه فیصد سوالات از مضامین مسلکی باشد. ۳- شصت فیصد چانس شمول پوهنتون. ۴- مبارزه برضد استعمار فرهنگی یوسلو متعلمین آناه اکادمی تربیه معلمین ضمن سخنرانی های خویش که در محوطه اکادمی ادا مکر به نقییح سخنان میان تهری سنی نشین بزرگ وزارت معارف که در جواب خواسته های شاگردان اظهار داشتند بود «مریض ستم ورنی درست چند ساعت پس از آن دیدک مجلس اشرافی حاضر شده یک ساعت کاما سخنرانی کرده بود پرداختند کرسی نشین بزرگ وزارت معارف که سالها در آن وزارت متصدی و شاغز بزرگ بوده در پاسخ خواسته های شاگردان اظهار داشته اکادمی تربیه معلمین در کجا واقع است و فارغ التحصیلان آن به چه کارها کماشته می شوند (!)

## اعتصاب شاگردان اکادمی تربیه معلمین تاکنون ادامه دارد و ایشان اظهار داشته اند که تا هنگام بر آورده شدن کلیه خواسته های خویش از اعتصاب دست نخواهند کشید.

## شعله جاوید! بر اساس آخرین گزارش خبر نگار ما شاگردان اکادمی تربیه معلمین دست هیئت تدریسی واداری را از امور مکتب کوتاه ساخته و اداره اکادمی را بدست خویش گرفته اند.

## ما به شاگردان مترقی و پیشاهنگ اکادمی تربیه معلمین درود می فرستیم و ایمان عمیق داریم که آنان با ثبات و پایداری در راه مبارزه و تحکیم همبستگی خویش سردمداران فرهنگ ارتجاعی را بزانو خواهند آورد.

## صاحب امتیاز و مدیر مسئول داکتر رحیم (محمودی)

## شعله جاوید: مبارزه در برابر افسوسناک فاشیستی را وظیفه خود دانسته با ثبات و پایداری خویشتن را

بیک مبارزه مرک و زندگی بادشمن طبقاتی خود بزنیم. شعله جاوید: مبارزه در برابر افسوسناک فاشیستی را وظیفه خود دانسته با ثبات و پایداری خویشتن را عمرزم کارگران قهرمان هوشخینف میداند.

## روز یازدهم جوزا متعلمین لیسه شیر خان قندز نظر به اینکه مقامات مسئول خواسته های آنان را که عبارت از تاسیس کتابخانه، کنفرانس در هر دو هفته یکبار و غیره مطالب آموزشی بوده ورد قبول قرار ندادند، دست به مظاهره زدند. اگرچه پولیس آشکار و مخفی از تجاع نمی گذاشت که مظاهره از محوطه لیسه خارج شود اما رو شنفکران مترقی بزودی آنان را از صفوف خویش رانده و در حالیکه شعار میدادند:

زنده باد اتحاد رنجبران و روشنفکران مترقی، مرک بر فرهنگ پوسیده استعماری.

از لیسه خارج شده بسوی دار المعلمین رهسپار شدند و در راه در چوک قندز سخنرانی هایی ایراد

کردند. در اینوقت پولیس میخوانست از در آمیختن جوانان و توده ها جلوگیری کند ولی توده ها صفوف پولیس را از هم شکستند و با فرزندان خویش در آمیختند. هنگامیکه صفوف درهم آمیخته متعلمین و توده ها به دار المعلمین رسید جوانان دار المعلمین از مظاهره باشور و هیجان رزم انگیز استقبال کردند و با آنان یکجا شدند و دوباره بسوی شهر حرکت کردند.

کارگران آگاه بسپین زر هنگامیکه شعار های پر خروش مظاهره کنندگان را شنیدند خواستند از محوطه فابریکه خارج شده با آنان همگام شوند اما نیزه هایی که از طرف طبقه حاکمه گسیل شده بود از خروج آنان جلوگیری بعمل آوردند.

این تظاهرات شکوهمند تا ساعت پنج بعد از ظهر ادامه داشت. آنگاه که ختم موقت تظاهرات اعلام گردید متعلمین از مظاهره خویش چنین نتیجه گیری کردند:

۱- تا زمان نیل به بر آورده شدن کلیه خواسته های خویش از مظاهره دست نمی کشیم.

۲- روشنفکران بدون پیوند با توده ها نمی توانند به پیروزی برسند و برای رسیدن به هدف باید با توده ها بیامیزند از آنها بیاموزند و به آنها بیاموزانند.

۳- عناصر مخرب و جاسوسان نقاب پوش را از صفوف خویش رانده و به افشای ایشان می پردازیم.